

توسعه ورزش فراگیر؛ ضرورت و چالش‌های تغییر حاکمیت ورزش معلولین در ایران

چکیده

کمیته ملی پارالمپیک ایران به تبعیت از ساختارهای جهانی، تغییراتی را در حاکمیت رشته‌های پارالمپیک به منظور توسعه ورزش فراگیر برای افراد دارای معلولیت انجام داده است؛ در همین راستا، از سال ۱۳۹۸ برخی از رشته‌های ورزشی معلولین از فدراسیون ورزش‌های جانبازان و معلولین به فدراسیون‌های ملی انتقال پیدا کرده است. لذا، هدف این پژوهش شناسایی ضرورت و چالش‌های انتقال رشته‌های ورزشی معلولین به فدراسیون‌های ملی بود. پژوهش به صورت کیفی انجام شد؛ ۱۳ نفر از خبرگان ورزش معلولین، خبرگان مدیریت ورزشی، ورزشکاران پارالمپیک، مدیران کمیته ملی پارالمپیک و مدیران فدراسیون‌ها به صورت هدفمند و گلوله برفی انتخاب شدند. ابزار جمع‌آوری داده‌ها، مصاحبه نیمه ساختاریافته بود و برای تحلیل مصاحبه‌های کیفی، از رویکرد استقرایی و تحلیل تم استفاده شد. همچنین، برای تسهیل استخراج، طبقه‌بندی و مدیریت داده‌ها از نرم‌افزار مکس کیودا بهره‌گرفته شد. داده‌ها به صورت کلی در دو بخش ضرورت‌ها و چالش‌های انتقال طبقه‌بندی شدند. در قسمت اول، مشارکت ورزشی، الزامات بین‌المللی، حمایت‌های سیاسی قانونی، لزوم تنوع و فراگیری در جامعه، توسعه فنی، فقدان ظرفیت در فدراسیون‌های مبدا و لزوم توسعه پایدار به عنوان مقولات اصلی در بخش ضرورت انتقال طبقه‌بندی شدند. سپس داده‌ها در بخش چالش‌های انتقال رشته‌ها به فدراسیون‌های ملی در مقولات چالش‌های ساختاری، ضعف در سیاست‌های کلان، سوگیری، رویکرد استیجاری، مقاومت در برابر انتقال و فقدان تجربه زیست مشترک طبقه‌بندی شدند. علیرغم ضرورت انتقال به منظور فراگیری، افزایش فرصت‌ها و توسعه مشارکت ورزشی، اما به نظر می‌رسد این انتقال چالش‌های فراوانی را برای ورزشکاران دارای معلولیت، فدراسیون‌های ملی و کمیته ملی پارالمپیک در پی داشته است. یکی از پیشنهادات اساسی برای بهبود این فرایند در مرحله اول، به‌روزرسانی سیاست‌های کلان ورزشی، تغییر آیین نامه‌ها و اساسنامه فدراسیون‌ها است که می‌تواند به بهبود این انتقال کمک نماید.

کلمات کلیدی: ورزش فراگیر، ورزش معلولین، انتقال رشته‌های ورزشی معلولین، کمیته ملی پارالمپیک ایران

Developing Mainstream Sport; The Necessity and Challenges of Changing the Governance of Disabled Sports in Iran

Abstract

Iran's National Paralympic Committee has taken steps to promote inclusive sports for people with disabilities in line with international standards, including transferring some disabled sports from the Disabled Sports Federation to National Federations since ۲۰۱۸. This research aims to explore the necessity and challenges of such transfers, with a focus on identifying structural, policy, and cultural barriers faced by the national federations. This study employed a qualitative research design, and involved thirteen participants who were selected through targeted and snowball sampling. The sample included experts in disabled sports, sports management, and sociology, as well as Paralympic athletes, managers of the National Paralympic Committee, and presidents and managers of federations. Semi-structured interviews were conducted face-to-face with each participant and inductive approach and theme analysis were used to analyze the qualitative data. MAXQDA software was instrumental in streamlining the processes of data extraction, classification, and management. The data were generally categorized into two parts: the needs and challenges of transferring disabled sports to National Federations as a mainstreaming policy. The transfer of sports disciplines to National Federations is necessary to promote sports participation, diversity, inclusiveness, and sustainable development. However, this process poses challenges such as structural issues, weak macro policies, bias, hiring practices, resistance to change, and lack of shared experience. These challenges affect athletes with disabilities, national federations, and the National Paralympic Committee. To address these challenges, it is recommended to update macro sports policies and revise regulations and statutes of the federation in the initial stage of the transfer process. This can help improve the transition and provide better opportunities for athletes and organizations involved.

Keywords: Mainstream Sport, Disabled Sport, Transferring Disabled Sport, Iran Paralympic Committee

بازی‌های پارالمپیک در سال‌های اخیر رشد خیره‌کننده‌ای داشته‌اند و همواره تعداد ورزشکاران و کشورهای شرکت‌کننده در این رویداد افزایش یافته است (کمیته بین‌المللی پارالمپیک، ۲۰۲۲). اما با این حال، همچنان افراد دارای معلولیت در حاشیه هستند و مشارکت ورزشی پایینی دارند (میزنر و دارسی^۱، ۲۰۱۴). یکی از دلایل موضوع فوق، فقدان سیاست‌های موثر و عدم فراگیری در جامعه است (سازمان جهانی سلامت^۲، ۲۰۱۳). منظور از فراگیری، پذیرش مسئولیت برای فراهم کردن فرصت‌های ورزشی و اقدامات لازم برای اطمینان از ارائه فرصت برابر مشارکت ورزشی برای همه افراد جامعه است (مینر و دارسی، ۲۰۱۴). به طور کلی، مفهوم ادغام و فراگیری، دسترسی برابر و همچنین پذیرش همه‌ی افراد در جامعه است (هاو^۳، ۲۰۰۷). یکی از مزایای فراگیری در ورزش افراد دارای معلولیت، افزایش تعاملات و ارتباطات بین افراد دارای معلولیت و افراد بدون معلولیت است که این موضوع منجر به بهبود نگرش نسبت به افراد دارای معلولیت و همچنین احتمال افزایش مشارکت وی در جامعه و ورزش می‌شود؛ اجرای ورزش فراگیر در جامعه از سال‌های گذشته مورد توجه پژوهشگران مختلف بوده است، با این وجود جوامع همواره با چالش‌هایی برای پیاده‌سازی ورزش فراگیر در جامعه مواجه بوده‌اند (ویل‌هایت، موش، گولدنبرگ و همکاران^۴، ۱۹۹۷). در همین راستا، توصیه به ادغام ورزشکاران دارای معلولیت در سازمان‌های ورزشی افراد بدون معلولیت و توسعه فراگیری، توسط کمیته بین‌المللی پارالمپیک^۵ (IPC) مطرح شده است (استیدوارد^۶، ۱۹۹۶). این موضوع به قدری حائز اهمیت است که کمیته بین‌المللی پارالمپیک در سال ۲۰۱۹ چشم انداز خود را به "خلق یک جهان فراگیر از طریق ورزش‌های پارالمپیکی" تغییر داده است (کمیته بین‌المللی پارالمپیک، ۲۰۱۹). لذا، کمیته بین‌المللی پارالمپیک در سال‌های اخیر اقدامات جدی برای توسعه ورزش فراگیر در جهان انجام داده است (پورکیانی و همکاران، ۱۴۰۱). یکی از اقدامات مهم این سازمان به منظور توسعه فراگیری، تغییر ساختار و انتقال حاکمیت رشته‌های ورزشی از IPC به فدراسیون‌های بین‌المللی است. در سال‌های گذشته، کمیته بین‌المللی پارالمپیک نقش حاکمیتی برای رشته‌های ورزشی را بازی می‌کرد و خود به عنوان فدراسیون جهانی آن رشته ایفای نقش می‌کرد، اما با توجه به سیاست‌های جدید، اکنون تنها حاکمیت ۱۰ رشته بر عهده کمیته بین‌المللی پارالمپیک است که مقرر شده است تا پایان سال ۲۰۲۶، این رشته‌ها نیز به فدراسیون‌های بین‌المللی ورزشی یا سازمان‌های بین‌المللی افراد بدون

^۱ Misener & Darcy

^۲ World Health Organization

^۳ Howe

^۴ Wilhite, Mushett, Goldenberg, & Trader

^۵ International Paralympic Committee

^۶ Steadward

معلولیت واگذار شود (کمیته بین‌المللی پارالمپیک، ۲۰۱۹). ارتباط نزدیک و پایدار کمیته بین‌المللی المپیک و کمیته بین‌المللی پارالمپیک و وجود تفاهم‌نامه‌های مختلف بین این دو سازمان باعث شده این انتقال‌ها با هدف توسعه ورزش معلولین، ورزش فراگیر و افزایش فرصت‌های مشارکت ورزشی صورت پذیرد (لگ و همکاران، ۲۰۱۵). برخی از کشورهای پیشرو نیز با هدف توسعه فراگیری، سیاست مذکور را به صورت ملی دنبال و ورزش معلولین را در فدراسیون‌های ورزشی افراد بدون معلولیت ادغام کرده‌اند، این موضوع در سال‌های اخیر به یکی از مباحث مهم در ساختار و حاکمیت ورزشی مطرح شده است (کنک و همکاران ۲۰۱۹). قبل از سال ۱۹۹۷، ورزش معلولین در نروژ توسط سه سازمان ورزش برای افراد دارای معلولیت نروژ^۳، کمیته ورزش برای کم‌توانان ذهنی^۴ و فدراسیون ورزش برای ناشنوایان نروژ^۵ مدیریت و سازماندهی می‌شد، اما در سال ۱۹۹۷ به عنوان اولین گام توسعه ورزش در مسیر اصلی، هر سه سازمان، در یک سازمان با عنوان سازمان ورزش برای افراد دارای معلولین نروژ^۶ ادغام شد. هدف اصلی این سازمان، سازماندهی فعالیت‌های ورزشی برای افراد دارای معلولیت از طریق فدراسیون‌های ملی تعریف شد. فرایند فراگیری، از بالاترین سطح ورزش نروژ (کمیته ملی المپیک نروژ و کنفدراسیون ورزش) با تصمیم‌گیری در هیات رئیسه آغاز شد و هدف نهایی این تصمیم، برابری، پذیرش و درک همه شرکت‌کنندگان در ورزش و افزایش مشارکت ورزشی اعلام شد. بدین منظور از فدراسیون‌های ملی درخواست شد تا مسئولیت ورزش معلولین نیز بر عهده بگیرند و در مقابل، از طرف کمیته ملی المپیک نروژ و کنفدراسیون ورزش کمک مالی دریافت نمایند (سورنسن و کارس^۷، ۲۰۰۶). مرکز ورزش کانادا در سال ۲۰۰۶، اهمیت ادغام و فراگیری ورزش حرفه‌ای افراد دارای معلولیت در بدنه ورزش کانادا را بسیار برجسته و مهم برشمرد (هاو^۸، ۲۰۰۷). سیاست ورزش کانادا برای افراد دارای معلولیت (۲۰۰۶) با هدف افزایش مشارکت افراد دارای معلولیت در ورزش، ظرفیت‌سازی و افزایش کسب موفقیت‌ها در سطح ملی و بین‌المللی، ادغام ورزش افراد دارای معلولیت در فدراسیون‌های ملی ورزش کانادا است، بنابراین عمده مدیریت و برنامه‌ریزی ورزش معلولین در کانادا از طریق فدراسیون‌های ورزشی افراد بدون معلولیت انجام می‌شود (سیاست ورزش کانادا برای افراد دارای معلولیت، ۲۰۰۶).

ساختار ورزش معلولین در ایران شامل سه فدراسیون ورزش‌های جانبازان و معلولین، ورزش‌های نابینایان و کم‌بینایان و ورزش‌های ناشنوایان می‌باشد. البته برخی از انجمن‌ها مثل المپیک ویژه و کوتاه قامت‌ان به صورت

^۱ Legg, Fay, Wolff, & Hums

^۲ Klenk and et al.

^۳ The Norwegian Organization of Sport for the Disabled

^۴ The Committee for Sport for the Mentally Retarded

^۵ The Norwegian Federation of Sports for the Deaf

^۶ The Norwegian Sports Organization for the Disabled

^۷ Sørensen & Kahrs

^۸ Howe

مستقل در حال فعالیت هستند اما در ساختار حاکمیتی ورزش معلولین ایران قرار ندارند. همچنین تا قبل از سال ۱۳۹۶، کمیته ملی پارالمپیک در قالب کمیته ملی المپیک فعالیت می‌کرد، اما در سال ۱۳۹۷، ساختار و بودجه کمیته ملی پارالمپیک به صورت کامل از کمیته ملی المپیک مستقل گردید (افروزه، ۱۴۰۱). این موضوع باعث شد، فعالیت‌های کمیته ملی پارالمپیک گسترده‌تر از قبل دنبال شود. کمیته ملی پارالمپیک ایران به تبعیت از کمیته بین‌المللی پارالمپیک در سال‌های اخیر تغییراتی را در حاکمیت رشته‌های پارالمپیکی به منظور توسعه ورزش فراگیر برای افراد دارای معلولیت انجام داده است؛ تا قبل از سال ۱۳۹۸، تمام رشته‌های ورزش معلولین در قالب انجمن‌های ورزشی در دو فدراسیون ملی ورزش‌های جانبازان و معلولین و فدراسیون ورزش‌های نابینان و کم بینایان فعالیت داشتند. اما به تدریج و تاکنون رشته‌های پاراتیروکمان، پاراتنیس، پاراتنیس روی میز، پاراسوارکاری، پاراترای اتلون، پاراقایقرانی، پاراتکواندو، پارادوچرخه سواری، پارابدمیتون به فدراسیون‌های ورزشی ملی افراد بدون معلولیت واگذار شده است.

علیرغم مزایای انتقال رشته‌های ورزش معلولین به فدراسیون‌های ورزشی، این سیاست چالش‌های فراوانی نیز در پی خواهد داشت (هامس و همکاران، ۲۰۰۳، میزنر و دارسی، ۲۰۱۴). در همین زمینه، هاموند و جینز^۱ (۲۰۱۸) بیان داشتند پس از انتقال رشته‌های ورزش معلولین به فدراسیون‌های ملی استرالیا در اوایل دهه ۲۰۰۰، ورزش حرفه‌ای در بخش پایه، رشد چندانی را تجربه نکرد و این بخش همچنان با مشکلاتی مواجه هست. هاو (۲۰۰۷) نشان داد علیرغم اینکه دوومیدانی معلولین توسط فدراسیون دوومیدانی کانادا مدیریت می‌شود، اما ادغام به خوبی رخ نداده است و حتی می‌توان گفت ورزشکاران دارای معلولیت و بدون معلولیت به صورت کامل جدا از یکدیگر هستند. همچنین فدراسیون دوومیدانی کانادا هنوز به صورت کامل نتوانسته ورزشکاران دارای معلولیت و ارزش‌های آنان را بپذیرد، از طرفی هنوز ورزشکاران دارای معلولیت در فرایند تصمیم‌گیری دخیل نیستند. پیرز و همکاران^۲ (۲۰۲۰) نیز در تحقیق اخیر خود نشان دادند اثری از ورزشکاران پارادومیدانی در وبسایت فدراسیون دوومیدانی کانادا وجود ندارد؛ ورزشکاران پارالمپیکی اغلب در حاشیه و در سایه ورزشکاران بدون معلولیت هستند و اخبار مرتبط با آنان بیشتر همراه با موارد پزشکی و یا خیریه است.

^۱ Hammond and Jeanes

^۲ Peers, Konoval, Naturkach

مک‌بین و همکاران^۱ (۲۰۲۲) با تحلیل تاریخی ساختار ورزش معلولین در نیوزلند، نشان داد از دهه ۱۹۸۰ سیاست ورزش معلولین متأثر از مدل اجتماعی معلولیت توسعه یافته و تلاش برای ادغام و فراگیری آغاز شده است. علیرغم توسعه سیاست‌های فراگیری در ورزش نیوزلند و تدوین چشم‌انداز الهام بخش برای توسعه ورزش معلولین، افراد دارای معلولیت در این کشور همچنان محرومیت، حاشیه‌نشینی و سطوح پایین‌تر مشارکت ورزشی را تجربه می‌کنند، که نشان‌دهنده قطع ارتباط بین سیاست‌های فراگیری و اجرای آن است. علیرغم این موضوع، توانایی‌گرایی^۲ تا حد بالایی در ساختارهای ورزشی نفوذ کرده است و اجازه رشد ورزش معلولین را نمی‌دهد. اندرسون و همکاران^۳ (۲۰۲۳) نیز به بررسی شرایط فدراسیون فلوربال^۴ سوئد برای فراگیری و میزبانی از افراد دارای معلولیت پرداختند؛ آن‌ها نشان دادند علیرغم نگاه مثبت مسئولان فدراسیون فلوربال نسبت به فراگیری، اما به دلیل آگاه نبودن سیاست‌گذاران کلیدی و وضعیت نامناسب تخصیص بودجه، این اقدام می‌تواند منجر به حاشیه رفتن افراد دارای معلولیت شود. اسبقیان، رئیس فدراسیون ورزش‌های جانبازان و معلولین، دو سال پس از انتقال رشته‌ها در مصاحبه‌ای اظهار داشت، هیات‌های استانی فدراسیون‌های ورزشی ملی، توجهی به ورزشکاران دارای معلولیت نمی‌کنند و این موضوع نارضایتی ورزشکاران دارای معلولیت را در پی داشته است (تسنیم، ۱۳۹۹). همچنین گزارش‌ها نشان می‌دهند، فدراسیون‌های ملی تجهیزات مناسبی برای ورزشکاران دارای معلولیت ندارند و اغلب مدیران فدراسیون‌های ملی با ورزش معلولین بیگانه هستند و در برخی از مواقع هیچ اولویتی برای ورزش معلولین قائل نمی‌شوند. اما برخی از گزارش‌ها و تحقیقات نشان می‌دهد، انتقال رشته‌های ورزش معلولین به فدراسیون ملی در آینده به نفع ورزش معلولین خواهد بود و به دلیل ماهیت کاری، رشته‌های ورزشی معلولین سنخیت بیشتری با فدراسیون‌های ملی دارند (تسنیم، ۱۳۹۹). در همین زمینه، پانکویک و همکاران^۵ (۲۰۲۳)، ادغام ورزشکاران دارای معلولیت در فدراسیون‌های ملی ورزشی و یکپارچه بودن ساختار ملی ورزش با ورزش معلولین را یکی از عوامل اصلی برای موفقیت ورزشکاران در سطوح مختلف پارالمپیک مطرح کردند. آن‌ها پس از مصاحبه با ۲۳ متخصص ورزش پارالمپیک، ادغام ورزشکاران دارای معلولیت در فدراسیون‌های ملی را بسیار ضروری دانستند چرا که اعتقاد داشتند این ادغام منجر به استفاده ورزشکاران دارای معلولیت از زیرساخت‌ها و امکانات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری فدراسیون‌های ملی می‌شوند و

^۱ McBean and et al.

^۲ Ableism

^۳ Andersson and et al.

^۴ Floorball

^۵ Pankowiak and et al.

در نهایت به موفقیت ورزشکاران پارالمپیک منجر می‌شود. افروزه (۱۴۰۱) نیز بیان کرد این موضوع در بسیاری از موارد منجر به پیشرفت آن رشته ورزشی می‌شود و با توجه به فراهم کردن فرصت‌های برابر، فرایند فراگیری تسهیل می‌یابد. همچنین هاموند (۲۰۱۹) نشان داد، ادغام ورزشکاران دارای معلولیت شنا در بدنه اصلی شنا در استرالیا، باعث شده است تصویر عمومی نسبت به ورزشکاران دارای معلولیت بهبود پیدا کند. این سیاست در ورزش برخی از دانشگاه‌ها نیز اجرا شده است که نتایج مطلوبی در پی داشته است؛ اجرای ورزش فراگیر در دانشگاه‌ها باعث شده است علاقه دانشجویان دارای معلولیت به مشارکت ورزشی و تماشای برنامه‌های ورزشی افزایش یابد (توسیم و اودیانگو، ۲۰۲۲).

ورزش برای افراد دارای معلولیت اغلب به عنوان بخشی از ورزش به آن نگریسته می‌شود، بنابراین محققان کمی به این حوزه توجه کرده‌اند (هامس و همکاران، ۲۰۰۳). علاوه بر این، اغلب تحقیقات در خصوص موانع و یا عوامل موثر بر مشارکت ورزشی (کیال و همکاران، ۱۴۰۰، لیموچی و همکاران، ۱۳۹۸، نادری و سکینه پور، ۱۳۹۹)، مناسب‌سازی اماکن ورزشی و شهری و برنامه‌ریزی شهری (غضنفرپور و همکاران، ۱۴۰۰، سهرابی و همکاران ۱۳۹۰)، بررسی اسناد حقوق بشری و حقوق شهروندی (سعیدی و ذاکریان، ۱۳۹۷)، پیامدهای مشارکت ورزشی افراد دارای معلولین (دیرمانچی و همکاران، ۱۳۹۸، زر و همکاران ۱۳۹۷) بوده است، اما تاکنون ساختار ورزش معلولین در ایران بررسی نشده است. طراحی و ارائه ساختار مناسب در ورزش و دارای توانمندی پاسخگویی به حوزه‌های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، امنیتی و اقتصادی از اهمیت بالایی برخوردار است (آجرلو، ۱۳۹۱). با توجه به اهمیت ساختار در توسعه یا عدم توسعه ورزش برای افراد دارای معلولیت در سطح جامعه و همچنین ارتقا یا عدم ارتقا جایگاه کاروان ایران در بازی‌های پارالمپیک و پاراآسیایی و اهمیت تشخیص ساختار صحیح برای سرمایه‌گذاری در ورزش معلولین (لگ و همکاران، ۲۰۱۱)، محققان بر آن شدند تا ضرورت‌ها و چالش‌های انتقال رشته‌های ورزشی معلولین به فدراسیون‌های ملی را شناسایی کنند.

روش شناسی تحقیق

این پژوهش به صورت کیفی انجام شد. مشارکت‌کنندگان در این پژوهش با استفاده از نمونه‌گیری گلوله برفی و با رویکرد نمونه‌گیری همگون و در عین حال با رعایت حداکثر تنوع نمونه‌گیری^۲ انتخاب شدند. در پژوهش‌های کیفی، معیار دقیقی برای تخصیص حجم نمونه یا افراد شرکت‌کننده وجود ندارد، با این حال، بر اساس دیدگاه

^۱ Tusiime and Odiango

^۲ Maximum variance of sampling

هاووی و گالوین^۱ (۲۰۱۶)، بین ۴ تا ۴۰ مشارکت کننده برای این نوع پژوهش‌ها کافی می‌باشد. بر این اساس، ۱۳ نفر از خبرگان ورزش معلولین، خبرگان مدیریت ورزشی، ورزشکاران پارالمپیک، مدیران کمیته ملی پارالمپیک و مدیران فدراسیون‌ها به عنوان نمونه انتخاب شدند. همه مصاحبه‌شوندگان دارای دانش مدیریتی و یا تجربه اجرایی در حوزه ورزش معلولین بودند. از طرفی ورزشکاران مورد مصاحبه نیز تجربه جدایی از ساختار فدراسیون ورزش‌های جانبازان و معلولین و قرارگیری در فدراسیون ملی را داشتند. همه‌ی مصاحبه‌ها به منظور شناسایی ضرورت‌های انتقال رشته‌های ورزشی معلولین از فدراسیون ورزش‌های جانبازان و معلولین به فدراسیون‌های ورزشی ملی و چالش‌های موجود انجام پذیرفت. ابزار جمع‌آوری داده‌ها، مصاحبه بود؛ مصاحبه به صورت رو در رو با شرکت‌کنندگان صورت گرفت و هر کدام بین ۳۰ تا ۴۵ دقیقه به طول انجامید. مصاحبه‌ها به صورت نیمه‌ساختاریافته انجام شد تا همه شرکت‌کنندگان بتوانند تجربیات غنی و با جزئیات در اختیار مصاحبه‌گر قرار دهند (اسپارک و اسمیت، ۲۰۱۴). همچنین مصاحبه نیمه‌ساختار یافته، برای بررسی ادراکات و دیدگاه‌های پیچیده انسانی مؤثر است. استفاده موثر از مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته باعث افزایش عمق یافته‌ها می‌شود (کالیو و همکاران^۲، ۲۰۱۶). قبل از انجام مصاحبه، شرکت‌کنندگان از اهداف پژوهش به صورت کامل آگاه شدند و قبل از جلسه مصاحبه نیز سوالات برای آنان ارسال شد. همچنین به شرکت‌کنندگان اطمینان داده شد در هر زمان از مصاحبه می‌توانند جلسه مصاحبه را ترک کنند و از فرایند پژوهش خارج شوند.

با توجه به مزایای تحلیل تم مانند انعطاف‌پذیری، توانایی خلاصه‌سازی تعداد زیاد داده، توانایی در تحلیل و توسعه داده‌های سیاست‌گذاری، محققان برای تحلیل داده‌ها از تحلیل تم استفاده کردند (براون و کلارک^۳، ۲۰۰۶). برای تحلیل داده‌ها، ابتدا تمام مصاحبه‌ها ضبط و سپس تایپ شد. پس از آن برای کمک به تسهیل کدگذاری و طبقه‌بندی داده‌ها، محققان از نرم‌افزار مکس کیودا^۴ استفاده کردند. همچنین برای تحلیل داده‌ها و تولید تم‌ها، روش استقرایی مد نظر نظر قرار گرفت. در روش استقرایی یا پایین به بالا، تم‌های شناسایی شده ارتباط محکمی با خود داده‌ها دارند. در این شیوه، داده‌ها کدگذاری شده و کدهای شبیه به هم در یک تم قرار می‌گیرند؛ پس به طور منطقی تم‌های از قبل تعریف شده‌ای وجود ندارد و الگوها و تم‌ها در طول تحلیل آشکار می‌شوند. برای تحلیل داده‌ها، مطابق با شش مرحله براون و کلارک (۲۰۰۶) انجام شد؛ (۱) آشنایی با داده‌ها، (۲) کدگذاری داده‌ها، (۳) تولید تم‌های اولیه از کدها، (۴) مرور و توسعه تم‌ها، (۵) تعریف و نامگذاری تم‌ها و (۶)

^۱ Holloway & Galvin

^۲ Kallio et al

^۳ Braun & Clarke

^۴ MAXQDA

نگارش گزارش. همچنین برای اطمینان از انجام صحیح تحلیل و همچنین افزایش اعتبار یافته‌ها، تلاش شد در هنگام تحلیل، چک‌لیست براون و کلارک (۲۰۰۶) مد نظر محققان قرار گیرد.

به منظور بررسی و افزایش اعتمادپذیری داده‌های حاصل از مطالعه در حین انجام پژوهش، از معیارهای گوبا و لینکلن^۱ (۱۹۹۴) شامل (۱) اعتبارپذیری^۲؛ (۲) انتقال پذیری^۳؛ (۳) تایید پذیری؛ و (۴) اطمینان پذیری^۴ استفاده شد. در راستای تضمین تاییدپذیری داده‌ها، پژوهشگر از پرانتزگذاری^۵ استفاده کرد، بدین صورت که هنگام پرانتزگذاری، محقق سعی در انعکاس تجربیات شرکت‌کنندگان بر اساس درک معانی برخاسته از گفتگو داشته و از تحمیل عقاید خود جلوگیری می‌کند تا از ورود پیش‌فرض‌های ذهنی پژوهشگر جلوگیری شود. همچنین جهت تضمین انتقال‌پذیری داده‌ها، پژوهشگر از نمونه‌ی همگون با رعایت حداکثر تنوع مشارکت‌کنندگان در ویژگی‌های جامعه شناختی استفاده کرد تا یافته‌های پژوهش حداکثر قابلیت تعمیم را داشته باشد. همچنین ارتباط مطلوب با مصاحبه‌شوندگان و تخصیص زمان کافی به این مرحله نیز، از دیگر راهکارهای افزایش اعتمادپذیری داده‌ها بود. علاوه بر موارد فوق، برای افزایش اعتبار داده‌ها، از تکنیک مثلث‌سازی نیز استفاده شد (پاتون^۶، ۱۹۹۹). بدین منظور، علاوه بر مصاحبه با خبرگان این حوزه، اسناد و مدارک موجود در حوزه ورزش فراگیر نیز بررسی شد، از طرفی تجربه نویسندگان مقاله حاضر در حوزه ورزش معلولین نیز تکمیل‌کننده فرایند مثلث‌سازی بود. برای بررسی پایایی، از روش پایایی توافق درون‌موضوعی استفاده شد. بدین منظور از میان مصاحبه‌های انجام گرفته، سه مصاحبه به‌عنوان نمونه انتخاب شد و هرکدام از آن‌ها، توسط دو نفر از تیم پژوهش کدگذاری شد و درصد توافق درون‌موضوعی با استفاده از فرمول زیر محاسبه شد.

$$\text{درصد توافق درون موضوعی} = \frac{\text{تعداد توافقات} \times 2}{\text{تعداد کل کدها}} \times 100\%$$

پایایی بین کدگذاران برای سه مصاحبه انجام گرفته در این پژوهش با استفاده از فرمول مذکور، ۸۶ درصد به دست آمد. لذا، با توجه به اینکه میزان پایایی بیشتر از ۶۰ درصد می‌باشد، پایایی تحلیل و کدگذاری‌های مصاحبه‌ها تایید می‌شود.

^۱ Guba & Lincoln

^۲ Credibility

^۳ Transferability

^۴ Dependability

^۵ Bracketing

^۶ Patton

یافته‌ها

ابتدا ویژگی جمعیت‌شناختی شرکت‌کنندگان در مصاحبه در جدول شماره ۱ آورده شد.

جدول ۱: ویژگی‌های جمعیت‌شناختی شرکت‌کنندگان در مصاحبه

ردیف	سمت
۱	عضو هیات علمی دانشگاه، رشته مدیریت ورزشی
۲	عضو هیات علمی دانشگاه، رشته مدیریت ورزشی
۳	دانشجوی دکتری رفتار حرکتی، فعال در حوزه ورزش معلولین
۴	عضو هیات علمی دانشگاه، رشته آسیب شناسی و حرکات اصلاحی
۵	رئیس آکادمی فدراسیون ورزش‌های همگانی
۶	مربی تیم ملی پاراتیروکمان
۷	ورزشکار تیم ملی رشته پاراکانو
۸	دبیر فدراسیون تیر و کمان
۹	دبیر سابق کمیته ملی پارالمپیک
۱۰	مشاور کمیته ملی پارالمپیک
۱۱	نایب رئیس سابق بانوان کمیته ملی پارالمپیک
۱۲	مربی و خبره در حوزه ورزش‌های پارالمپیک
۱۳	مربی و خبره در حوزه ورزش‌های پارالمپیک

داده‌ها به صورت کلی در دو بخش ضرورت‌ها و چالش‌های انتقال طبقه بندی شدند. در قسمت اول، مشارکت ورزشی، الزامات بین‌المللی، حمایت‌های سیاسی قانونی، لزوم تنوع و فراگیری در جامعه، توسعه فنی، فقدان ظرفیت در فدراسیون‌های مبدا و لزوم توسعه پایدار به عنوان مقولات اصلی در بخش ضرورت انتقال طبقه‌بندی شدند. به طور کلی در این بخش، ۹۶ کد اولیه، ۲۰ مقوله فرعی و ۷ مقوله اصلی شناسایی شد. در جدول شماره ۲، موارد فوق به صورت خلاصه ذکر شده است.

جدول شماره ۲: ضرورت انتقال رشته‌ها از فدراسیون ورزش‌های معلولین و جانبازان و فدراسیون ورزش‌های نابینایان به فدراسیون‌های ملی

مقوله اصلی	مقوله فرعی	کدهای اولیه
مشارکت ورزشی	تنوع و تعدد رشته و ورزشکاران دارای معلولیت	افزایش درصد معلولیت در جامعه، تنوع در رشته‌های ورزشی افراد دارای معلولیت، کلاسبندی‌های مختلف پزشکی و عملکردی در ورزشکاران دارای معلولیت، انواع معلولیت‌های متنوع
	فرصت‌های مشارکت ورزشی افراد دارای معلولیت	دشواری‌های انجام ورزش برای افراد دارای معلولیت، مناسب نبودن اقدامات در زمینه توسعه مشارکت ورزشی، در دسترس نبودن ورزش، فراهم نبودن فرصت-ها و رویدادهای ورزشی، مشارکت ورزشی پایین افراد دارای معلولیت
	سیاست‌های کمیته بین-المللی پارالمپیک و المپیک	تغییر چشم انداز کمیته بین‌المللی پارالمپیک و تاکید بر فراگیری در سال ۲۰۱۹، توجه کمیته بین‌المللی المپیک به ادغام، انتقال حاکمیت برخی از رشته‌ها از کمیته بین‌المللی پارالمپیک به فدراسیون‌های بین‌المللی، انعقاد تفاهم‌نامه‌های مشترک بین دو کمیته (المپیک و پارالمپیک) و همسویی سیاست‌ها
الزامات بین‌المللی	منشور المپیک و پارالمپیک	احترام به تفاوت‌ها، برابری، دوستی، توجه به منشور المپیک
	سیاست‌های کشورهای پیشرو	حضور ورزشکاران دارای معلولیت و بدون معلولیت در کنار هم در کشورهای دنیا، اجرای سیاست انتقال رشته‌ها در برخی از کشورهای پیشرو از سال ۲۰۰۰
	سیاست‌های سازمان جهانی بهداشت	توجه به محیط اجتماعی افراد دارای معلولیت، کم‌رنگ کردن بحث پزشکی در معلولیت، تمرکز به رشته‌ی ورزشی به جای تمرکز بر معلولیت، اجرای موفق سیاست آموزش فراگیر در کشورهای پیشرو (مشابه با سیاست انتقال رشته‌ها)
	اسناد حقوق بشری	تاکید اسناد حقوق بشری بر مشارکت افراد دارای معلولیت در جامعه، کنواسیون حقوق افراد دارای معلولیت، تاکید سند ۲۰۳۰ سازمان ملل متحد بر کاهش نابرابری‌ها

توجه به حقوق افراد دارای معلولیت در قانون اساسی، توجه به افراد دارای معلولیت در قانون اهداف، وظایف و اختیارات وزارت ورزش، تاکید بر مناسب- سازی برای معلولین در قوانین، تاکید بر تکریم معلولین در قوانین، تاکید بر ایجاد فرصت مشارکت در فعالیت های اجتماعی- ورزشی در قوانین، حضور قوانین مناسب در کشور برای حمایت از حضور معلولین در جامعه	قوانین داخلی حمایت سیاسی - قانونی
اهمیت افراد دارای معلولیت برای سیاستگذاران در ایران، تخصیص بودجه مناسب به ورزش معلولین، حمایت دولت از ورزش معلولین، حمایت دولت از ورزش همگانی و قهرمانی معلولین	سیاسی
لزوم ادغام افراد دارای معلولیت در جامعه، نفی جداسازی، لزوم ایجاد حس پذیرش در جامعه برای افراد دارای معلولیت، استفاده از ماهیت ورزش برای پذیرش تفاوت ها، استفاده از پتانسیل ورزش برای توسعه فراگیری، استفاده از ورزش برای زیست بهتر، زیست مسالمت آمیز در کنار هم، لزوم حضور افراد دارای معلولیت در متن جامعه، آشنا شدن بیشتر افراد بدون معلولیت با افراد دارای معلولیت	تنوع و فراگیری در جامعه تنوع و فراگیری در جامعه
شبیه بودن رشته ها به یکدیگر، تخصصی بودن فدراسیون ملی از لحاظ نوع ورزش، از لحاظ فنی اولویت با رشته ورزشی است، شباهت بعد فنی رشته های پارا و غیر پارا، ارجحیت رشته ورزشی به ماهیت معلولیت	شباهت پایه ای رشته ها
احتمال افزایش سرعت پیشرفت ورزشکاران دارای معلولیت، رقابت ورزشکاران دارای معلولیت با ورزشکاران بدون معلولیت، تمرین ورزشکاران دارای معلولیت با ورزشکاران بدون معلولیت، بهبود فضای رقابتی، بهبود عملکرد ورزشی افراد دارای معلولیت، افزایش انگیزه ورزشی افراد دارای معلولیت	توسعه فنی ارتقا عملکرد
کمبود تجهیزات برای برگزاری اردو و یا مسابقات برای تعداد بالای ورزشکاران دارای معلولیت، کمبود خوابگاه، کمبود سالن ورزشی برای رشته ها، وضعیت نامناسب مالی فدراسیون ورزش های جانبازان و معلولین، عدم توانایی در تامین بودجه متناسب با تعداد ورزشکاران تحت حمایت، فقدان ساختار مناسب در فدراسیون ورزش های نابینایان و کم نابینایان، کمبود نیروی متخصص در فدراسیون ورزش های نابینایان و کم بینایان	ضعف ساختاری فقدان ظرفیت در فدراسیون های مبدا

ضعف و افول فدراسیون ورزش‌های جانبازان و معلولین در سال‌های اخیر، عملکرد نامناسب فدراسیون جانبازان علیرغم کاهش بار مسئولیت در سال‌های اخیر، عدم توانایی فدراسیون ورزش‌های جانبازان و معلولین در حمایت از تمامی ورزشکاران دارای معلولیت	ضعف در عملکرد
فقدان توان لازم برای مدیریت همه رشته‌ها، شواری هماهنگی تعداد بالای رشته‌ها و ورزشکاران دارای معلولیت در یک فدراسیون، متکی به فرد بودن در فدراسیون	پیچیدگی مدیریتی
توجه به برابری افراد دارای معلولیت و بدون معلولیت، توزیع عادلانه بودجه، توزیع عادلانه امکانات، ایجاد دسترسی برابر، برخورداری از حقوق مساوی با سایر افراد، برخورداری از حقوق کامل شهروندی، احترام به ارزش‌های المپیک و پارالمپیک، دستیابی به فرصت‌های بیشتر، استفاده از امکانات و ظرفیت فدراسیون‌های ملی و هیئت‌های استانی و شهرستانی	کاهش نابرابری
صرفه‌جویی در منابع، اشتراک در فعالیت‌های فدراسیون‌های تخصصی و فدراسیون‌های ملی	کاهش هزینه‌ها
وجود داور، وجود مربی باکیفیت، وجود متخصص تغذیه، وجود متخصص روانشناسی، وجود ماسور، وجود مدیران باسابقه و ذی‌نفوذ (در فدراسیون‌های ملی)	منابع انسانی
فضای ورزشی مناسب، وجود ساختار مناسب، وجود سایت تمرین، وجود خوابگاه‌های مناسب، تجهیزات مناسب تمرینی (در فدراسیون‌های ملی)،	توسعه منابع فیزیکی و ساختاری
تقسیم کار ملی و بین‌سازمانی در حوزه ورزش معلولین، تبدیل کمیته ملی پارالمپیک به نهاد حاکمیتی در ورزش معلولین، هماهنگ‌سازی کلیه فعالیت‌ها و برنامه‌ها، شبکه‌سازی گسترده در کشور از طریق هیات‌های استانی و شهرستانی فدراسیون‌های ملی، مطالبه‌گری در خصوص ورزش معلولین	ظرفیت‌سازی

سپس داده‌ها در بخش چالش‌های انتقال رشته‌ها به فدراسیون‌های ملی طبقه‌بندی شدند. در این بخش، چالش‌های ساختاری، ضعف در سیاست‌های کلان، سوگیری، رویکرد استیجاری، مقاومت در برابر انتقال و فقدان تجربه زیست مشترک به عنوان مقولات اصلی شناسایی شدند. به طور کلی در این بخش، ۸۲ کد اولیه

غیر تکرایی شناسایی شد که در ۱۵ مقوله فرعی و ۶ مقوله اصلی طبقه‌بندی شدند. در جدول شماره ۳، موارد فوق به صورت خلاصه ذکر شده است.

جدول شماره ۳: چالش‌های انتقال رشته‌ها از فدراسیون ورزش‌های معلولین و جانبازان و فدراسیون ورزش‌های نابینایان به

فدراسیون‌های ملی

مقولات اصلی	مقولات فرعی	کد اولیه
چالش‌های ساختاری	فقدان رویکرد فراگیر در تجهیزات و زیرساخت‌ها	عدم وجود تجهیزات مناسب ورزشکاران دارای معلولیت، مناسب نبودن دستگاه‌های بدنسازی برای افراد دارای معلولیت در فدراسیون‌های ملی، عدم طراحی ساختمان‌های اداری فدراسیون‌ها با رویکرد فراگیر، عدم مناسب‌سازی فضاهای تمرینی، مناسب نبودن وضعیت دسترسی به خوابگاه‌ها
	فقدان آشنایی منابع انسانی با رویکرد معلولیت	کمبود نیروی انسانی آشنا به افراد دارای معلولیت در فدراسیون‌های ملی، فقدان مربیان تخصصی ورزش معلولین، ارتباط نامناسب مدیران فدراسیون‌های ملی با افراد دارای معلولیت
	ضعف در مرحله انتقال	آماده نبودن زیرساخت‌ها جهت انتقال، انتقال عجولانه رشته‌ها، انتقال بدون برنامه‌ریزی، انتقال بدون مرحله‌بندی و فازبندی، آماده نبودن ذینفعان برای انتقال، عدم آگاهی رسانه‌ها از ورزش فراگیر، عدم اقلناسازی صحیح از لزوم انتقال رشته
	ضعف در فرایندها	فقدان هماهنگی لازم بین فدراسیون و کمیته ملی پارالمپیک، عدم شفاف سازی روابط بین فدراسیون‌ها و کمیته ملی پارالمپیک، عدم تقسیم وظایف شفاف بین کمیته ملی پارالمپیک و فدراسیون‌های ملی، پاسخگو نبودن فدراسیون‌های ملی به ورزشکاران دارای معلولیت، دیدگاه متفاوت فدراسیون‌های ملی و کمیته ملی پارالمپیک،
ضعف در توسعه هیئت‌های استانی و شهرستانی	ضعف در توسعه هیئت‌های استانی و شهرستانی	ضعف در هیئت‌های استانی فدراسیون‌ها برای ساماندهی ورزشکاران دارای معلولیت، عدم توسعه بخش ورزش معلولین در هیئت‌های استانی و شهرستانی، کم بودن بودجه هیئت‌های استانی، عدم توان هیئت‌ها در حمایت از ورزشکاران دارای معلولیت، عملکرد بسیار ضعیف هیئت‌های فدراسیون‌های ملی در خصوص ورزش معلولین، عدم ابلاغ فدراسیون‌های ملی به هیئت‌ها در خصوص لزوم توسعه ورزش معلولین، عدم توجه هیئت‌ها در خصوص سیاست‌های فراگیر، سردرگم شدن ورزشکاران شهرستان

تناقضات ساختاری	مضاعف شدن مأموریت فدراسیون‌های ملی، عدم تناسب مأموریت‌ها با بودجه فدراسیون‌ها، افزایش مشکلات در فدراسیون‌های ملی، عدم هزینه کرد فدراسیون‌های ملی برای ورزش معلولین، هزینه‌کرد بودجه ورزش معلولین برای ورزشکاران بدون معلولیت
فقدان توجه به ورزش فراگیر در اسناد بالادستی	فقدان اعمال سیاست فراگیر در اسناد بالادستی، به‌روز نبودن قوانین مرتبط با سیاست فراگیر، فقدان سیاست‌های کلان و همسو، فقدان وجود نگاه همه‌جانبه به سیاست ورزش فراگیر، ضعف در اساسنامه‌های فدراسیون‌ها در حمایت از ورزش فراگیر، کم‌رنگ بودن کمیته ملی پارالمپیک در اساسنامه فدراسیون‌ها
ضعف در سیاست‌های کلان	اجرائی نشدن سیاست‌ها در عمل، ضعف در اجرای دستورالعمل‌ها، وجود شکاف بین سیاست‌های وزارت ورزش و کمیته ملی پارالمپیک، عدم همکاری مناسب وزارت ورزش در توسعه سیاست ورزش فراگیر
سوگیری‌های توجه	به حاشیه رفتن ورزش معلولین، در معرض تبعیض قرار گرفتن ورزشکاران دارای معلولیت، در اولویت نبودن ورزشکاران دارای معلولیت، توجه بیشتر به ورزشکاران بدون معلولیت، در سایه قرار گرفتن ورزشکاران دارای معلولیت، توجه بیشتر رسانه‌ها به ورزشکاران بدون معلولیت، توجه تماشاگران به ورزشکاران بدون معلولیت، توجه آزار دهنده به ورزشکاران دارای معلولیت، دلسرد شدن ورزشکاران دارای معلولیت، خطر کاهش عمر قهرمانی ورزشکاران دارای معلولیت به دلیل بی‌توجهی در فدراسیون‌های ملی، ارزش بیشتر مدال المپیک نسبت به پارالمپیک برای فدراسیون‌ها، توجه بیشتر فدراسیون بر روی ورزشکاران المپیکی
سوگیری‌های مالی	در شرایط مالی محدود اولویت با ورزشکاران بدون معلولیت خواهد بود، محق دانستن ورزشکاران بدون معلولیت در دریافت خدمات بیشتر
عدم پذیرش	مقاومت فدراسیون‌های مقصد برای پذیرش رشته جدید، عدم وجود تمایل در فدراسیون‌های ملی، پذیرفته نشدن رشته ورزشی معلولین در فدراسیون‌های ملی توسط مدیران و کارشناسان، علاقه کم فدراسیون‌های ملی به پذیرش ورزشکاران

رویکرد قهرمان محوری	تخصیص بودجه برای ورزش قهرمانی، توجه به ورزش قهرمانی، غفلت از استعدادیابی، عدم توجه به ورزش پایه معلولین در فدراسیون‌های ملی، تنها استفاده از افتخارات ورزشکارا پارا، عدم توجه به پشتوانه سازی در ورزش معلولین توسط فدراسیون‌های ملی،
فقدان آینده‌سازی	احتمال کاهش تعداد ورزشکاران معلول، عدم استفاده ظرفیت کامل فدراسیون‌های ملی برای ورزشکاران پارا، وجود وابستگی مالی رشته‌ها به کمیته ملی پارالمپیک،
مقاومت در برابر انتقال	مقاومت فدراسیون‌های مبدا برای واگذاری رشته‌ها، عدم همکاری فدراسیون‌های مبدا در دوره گذار، عدم حمایت دانشی فدراسیون مبدا در دوران گذار، عدم حمایت تجهیزاتی فدراسیون مبدا در دوران گذار
فقدان تجربه زیست مشترک	فقدان تجربه زیست مشترک
فقدان تجربه زیست مشترک	احتمال توهین به ورزشکاران دارای معلولیت، ترحم به ورزشکاران دارای معلولیت، فقدان درک ورزشکاران دارای معلولیت، عدم شناخت دو گروه (ورزشکاران دارای معلولیت و بدون معلولیت) از یکدیگر، عدم آشنایی مدیران با نیازهای ورزشکاران دارای معلولیت

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر، شناسایی ضرورت‌ها و چالش‌های انتقال رشته‌های پارالمپیک از فدراسیون ورزش‌های جانبازان و معلولین به فدراسیون‌های ملی بود. پس از تحلیل داده‌ها، چالش‌های ساختاری، ضعف در سیاست‌های کلان، سوگیری، رویکرد استیجاری، مقاومت در برابر انتقال و فقدان تجربه زیست مشترک به عنوان چالش‌های انتقال شناسایی شدند. یکی از چالش‌های اصلی ورزشکاران رشته‌های پارالمپیک پس از انتقال، قرار گرفتن در سایه ورزشکاران المپیک بود. با توجه به نتایج تحقیق، به نظر می‌رسد ورزشکاران دارای معلولیت برای فدراسیون‌های ملی در اولویت نمی‌باشند و این موضوع خود را در بخش‌های مختلفی از جمله توجه بیشتر به ورزشکاران المپیک، به حاشیه رفتن ورزش معلولین و مورد تبعیض قرار گرفتن ورزشکاران دارای معلولیت نشان می‌دهد. همچنین در شرایط مالی محدود نیز اولویت تمرین، مسابقه و اعزام همواره با ورزشکار بدون

معلولیت است. این موارد باعث شده است فدراسیون‌های ملی رویکرد استیجاری را در خصوص رشته‌های معلولین در پیش بگیرند؛ بدین منظور فدراسیون‌ها علاقه‌ای برای پذیرش رشته‌های معلولین را ندارد و از ورزشکاران دارای معلولیت تنها برای کسب مدال و افتخار برای فدراسیون استفاده می‌کنند، این درحالی است نگاه فدراسیون‌ها به رشته‌های معلولین موقت و کوتاه مدت است و برنامه‌های استعدادیابی و توجه به ورزش پایه در برنامه‌های فدراسیون‌های ملی قرار ندارد. در خصوص این یافته، می‌توان به نظریه توانایی‌گرایی اشاره کرد؛ توانایی‌گرایی نگرشی است که از طریق ارزش‌گذاری به افراد بدون معلولیت و توانا، ناتوانی و افراد دارای معلولیت را بی‌ارزش می‌کند. این نظریه، افراد بدون معلولیت را طبیعی و افراد دارای معلولیت را غیر طبیعی و منفی طبقه‌بندی می‌کند و در نتیجه باعث جدایی آنان از جامعه و انزوای اجتماعی می‌شود (کمپبل^۱ ۲۰۰۸؛ بریتین، بیسیکا و جراد^۲ ۲۰۲۰). در سال‌های اخیر، این نظریه برای عموم به صورت طبیعی گسترش پیدا کرده و توسط جامعه نیز پذیرفته و به عنوان هنجارهای قوی به رسمیت شناخته شده است. ترویج نظریه توانایی‌گرایی در جامعه منجر به نگرش‌های تعصب‌آمیز و رفتارهای تبعیض‌آمیز نسبت به افراد دارای معلولیت می‌شود (وولبرینگ^۳ ۲۰۱۲). از این رو، افرادی که به بهترین وجه با هنجارهای تفسیر شده مطابقت دارند (افراد بدون معلولیت)، بر گروه دیگر (افراد دارای معلولیت) مسلط می‌شوند (بریتین و همکاران ۲۰۲۰). همانگونه که نتایج تحقیق حاضر نشان داد و مطابق با نظریه فوق، افراد بدون معلولیت در فدراسیون‌های ملی به گروه‌های مسلط تبدیل شده‌اند و همواره اولویت در ورزش قهرمانی، اعزام‌ها، رسانه، همگانی و استعدادیابی با این افراد است و ورزشکاران دارای معلولیت در حاشیه قرار گرفته‌اند.

برای تحلیل این نتایج، علاوه بر نظریه فوق، می‌توان از مدل پزشکی و اجتماعی معلولیت نیز بهره برد. در مدل پزشکی، معلولیت به عنوان یک مشکل بیولوژیکی شناخته می‌شود. در این مدل، معلولیت به عنوان یک نقص شناخته می‌شود که حتماً باید درمان شود. در مقابل، مدل اجتماعی از معلولیت، ناتوانی را به عنوان تفاوت و نه لزوماً خوب یا بد تعریف می‌کند. مدل اجتماعی معلولیت، کمبود فرصت (مثلاً استخرهای شنای محلی محدود) و رفتارهای تبعیض‌آمیز (مثلاً مسخره کردن) را برجسته می‌کند (مارتین^۴ ۲۰۱۳). در ایران، برای سالیان طولانی مدل پزشکی مرسوم بوده است و این موضوع باعث شده است نگرش مردم به افراد دارای معلولیت منفی باشد، و همواره آنان را در گروه‌های جدا قرار دهند (موسوی، ۲۰۲۲). همین دیدگاه باعث شده است در سال‌های گذشته تأکید بر نقصان معلولیت و جداسازی باشد و فدراسیون‌های ورزشی اختصاصی برای افراد دارای

^۱ Campbell

^۲ Brittain, Biscaia, Gérard

^۳ Wolbring

^۴ Martin

معلولیت توسعه یابد؛ این دیدگاه تاکنون ادامه داشته است و مدیران ورزشی نیز در مقابل تغییر این ساختار مقاومت می‌کند. این موضوع هم منجر به عدم پذیرش ورزشکاران دارای معلولیت توسط فدراسیون‌های ملی شده و هم فدراسیون ورزش‌های جانبازان و معلولین در برابر انتقال مقاومت نشان داده است.

یکی دیگر از چالش‌های شناسایی شده، چالش‌های ساختاری از جمله فقدان رویکرد فراگیر در تجهیزات و زیرساخت‌ها بود. در این بخش نیز می‌توان به مدل اجتماعی اشاره کرد؛ در مدل اجتماعی بیان می‌شود که محیط می‌تواند منجر به محدودیت افراد دارای معلولیت شود؛ در واقع مناسب نبودن تجهیزات و اماکن ورزشی، عدم طراحی ساختمان‌های فدراسیون با رویکرد فراگیر و وضعیت دسترسی نامناسب برای افراد دارای معلولیت، همان عدم توجه به مدل اجتماعی معلولیت است. در همین راستا مارتین (۲۰۱۳) در پژوهش خود، یکی از موانع توسعه مدل اجتماعی را موانع ساختاری مختلفی از جمله فقدان رمپ، رمپ‌های بسیار شیب‌دار، درهای بسیار باریک و ... بیان می‌کند. البته پژوهش‌های مختلفی در ایران نیز، یکی از موانع اصلی و چالش‌های مشارکت ورزشی را عدم مناسب‌سازی و تجهیزات مناسب برشمرده‌اند (لیموجی و همکاران، ۱۳۹۸؛ سبحانی و همکاران، ۱۳۹۴). ضعف در فرایندها و فقدان توجه به ورزش فراگیر در اسناد بالادستی در مقوله ساختاری از دیگر چالش‌های اساسی این رویکرد شناسایی شد. در این زمینه می‌توان به فقدان قوانین فراگیر در اسناد بالادستی، متناسب نبودن آیین نامه فدراسیون‌ها با ورزش فراگیر و در نهایت فقدان سیاست‌های کلان و همسو (کمیته ملی پارالمپیک و وزارت ورزش) اشاره کرد. این موارد باعث شده است فدراسیون‌های ملی در قبال توسعه ورزش معلولین احساس مسئولیت نداشته باشند. بدیهی است که برای تغییر حاکمیت بخش‌های مختلف ورزش، نیاز به بروزرسانی آیین نامه‌ها و قوانین کلان ورزشی کشور است. در همین راستا، پانکویک و همکاران (۲۰۲۳) پیشنهاد دادند دولت‌ها باید اجرای سیاست ورزش فراگیر را رهبری کنند و به صورت مداوم ارزیابی نمایند تا اطمینان حاصل شود که فدراسیون‌های ملی نسبت به ورزشکاران دارای معلولیت متعهد هستند و اقدامات حمایتی لازم را انجام می‌دهند. در واقع باید از طریق قانونگذاری، فرصت‌های مشارکت افراد دارای معلولیت در فدراسیون‌های ملی افزایش یابد. بر همین اساس پیشنهاد می‌شود در اساسنامه فدراسیون‌ها، حداقل دو ورزشکار دارای معلولیت در کمیسیون ورزشکاران قرار گیرند و به تبع آن حداقل دو ورزشکار دارای معلولیت نیز در مجمع عمومی فدراسیون حضور یابند. همچنین مربی، داور، خبره و فرد دارای کرسی بین‌المللی در حوزه ورزش معلولین نیز در مجمع عمومی فدراسیون‌ها قرار گیرند، از طرفی باید رئیس بخش ورزش معلولین فدراسیون ملی عضو هیات رئیسه باشد. بدیهی است به منظور افزایش فرصت مشارکت افراد دارای معلولیت، آن‌ها باید در تصمیم‌گیری به صورت مستقیم دخیل باشند (سازمان جهانی بهداشت، ۲۰۱۳). در این زمینه می‌توان به کدهای حاکمیتی ورزش انگلستان نیز اشاره کرد؛ در این سند به پنج اصل ساختار، افراد، فرایند و سیاست‌گذاری،

ارتباطات و استانداردهای سازمان‌های ورزشی انگلستان اشاره شده است و آنان را موظف کرده است در این پنج بخش به افراد متنوع مانند افراد دارای معلولیت، زنان و ... توجه ویژه نمایند (کدهای حاکمیت ورزشی انگلستان، ۲۰۱۶). البته باید به این نکته اشاره کرد علیرغم توجه سازمان‌های ورزشی در کشورهای پیشرو به تنوع و فراگیری و تدوین سیاست‌های صحیح در این خصوص، اما نتایج نشان داده است هنوز فاصله زیادی بین سیاست‌ها و اهداف تنوع و فراگیری با عملکرد سازمان‌ها در این خصوص وجود دارد (گاردنر، لاور، و والر، ۲۰۲۳). به طور کلی پیشنهاد می‌شود حتما در سیاست‌های کلی، قوانین و اسناد بالادستی برای حمایت از افراد اقلیت از جمله افراد دارای معلولیت توجه ویژه‌ای شود.

در بخش ضرورت انتقال نیز پس از تحلیل داده‌ها، مقولات اصلی مشارکت ورزشی، الزامات بین‌المللی، حمایت سیاسی قانونی، توسعه تنوع و فراگیری در جامعه، توسعه فنی، توسعه پایدار و فقدان ظرفیت در فدراسیون‌های مبدا شناسایی شد. از مقولات اصلی شناسایی شده فقدان ظرفیت فدراسیون‌های مبدا، توسعه پایدار و افزایش مشارکت ورزشی بود. در این مقولات می‌توان به کاهش نابرابری، کاهش هزینه‌ها، توسعه منابع فیزیکی و زیرساختی و همچنین ظرفیت سازی اشاره کرد. برای تحلیل ضرورت و اثربخشی این سیاست در ظرفیت‌سازی، توسعه و افزایش مشارکت افراد دارای معلولیت، می‌توان به مفهوم شبکه مشارکتی اشاره کرد؛ زمانی که یک سازمان ظرفیت خدمت رسانی مطلوب به جامعه را نداشته باشد، از مجموع سازمان‌ها با اهداف و مأموریت‌های مشابه برای تقویت عملکرد و توسعه ظرفیت خدمت رسانی مطلوب استفاده می‌شود (ایزت، ۲۰۱۱). بدیهی است تنها دو فدراسیون ورزش‌های جانبازان و معلولین و فدراسیون ورزش‌های نابینایان و کم‌بینایان ظرفیت کمتری نسبت به همه فدراسیون‌های ورزشی برای ارائه خدمت به افراد دارای معلولیت دارند. مشارکت سازمان‌های ورزشی در ارائه خدمات به افراد دارای معلولیت، کاهش نابرابری و در نهایت افزایش فرصت مشارکت افراد دارای معلولیت را به دنبال خواهد داشت. همچنین مطالعات رویکرد فراگیرسازی نشان داده است با توجه به منطق صحیح این رویکرد، فرصت‌های مشارکت ورزشی افراد دارای معلولیت، تنها با تعدیل اندک تجهیزات و ساختارهای ورزشی افزایش می‌یابد (کیچن و هاو، ۲۰۱۴، لیموچی و همکاران ۱۳۹۸). هاموند و جینز (۲۰۱۸) پس از بررسی سیاست‌های ورزش فراگیر در استرالیا، نشان دادند سیاست‌های ورزش فراگیر منجر به افزایش ظرفیت ساختاری ورزش معلولین و به تبع آن توسعه ورزش برای افراد دارای معلولیت شده است. کیچون و هاو (۲۰۱۴)، نیز اعتقاد دارند رویکرد ورزش فراگیر در سازمان‌های ورزشی، یک رویکرد صحیح و نظام‌مند می‌باشند و به صورت منطقی قابل توجیه می‌باشند.

یکی دیگر از مهمترین دلایل و ضرورت انتقال، سیاست‌ها و الزامات بین‌المللی در خصوص توسعه ورزش فراگیر است. در این زمینه می‌توان به دستورکار کمیته بین‌المللی المپیک ۲۰۲۰ اشاره کرد؛ در توصیه شماره ۷ این سند، توسعه همکاری نزدیک کمیته بین‌المللی المپیک و سازمان‌های المپیک با سازمان‌های ورزش معلولین برای افزایش سینرژی در تمام ابعاد آمده است (دستورکار کمیته بین‌المللی المپیک، ۲۰۲۰). همچنین کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت، حق دسترسی به خدمات در تمام حوزه‌های شهروندی از جمله فعالیت‌های تفریحی و ورزشی را برای افراد دارای معلولیت در نظر گرفته است (کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت، ۲۰۰۶). برخلاف رویکردهایی که حول محور پزشکی طراحی شده اند، این ماده از کنوانسیون بر پایه مسائل اجتماعی طراحی شده است و معلولیت را حاصل فرایند اجتماعی می‌داند. در واقع فرایند مذکور نتیجه‌ی تعامل بین افراد دارای معلولیت، موانع محیطی و نگرش‌های اجتماعی است که مشارکت اجتماعی فرد دارای معلولیت را شکل می‌دهد (بارنز و همکاران^۱، ۲۰۲۰). این قانون بر اساس اصول احترام به کرامت انسانی و استقلال فردی، عدم تبعیض، مشارکت و فراگیری در جامعه، احترام به تفاوت و پذیرش افراد دارای معلولیت به عنوان بخشی از تنوع انسانی و انسانیت، برابری فرصت‌ها و دسترسی تدوین شده است (میزنر و داریسی، ۲۰۱۴). که به نظر می‌رسد با انتقال رشته‌ها به فدراسیون‌های ملی حق فوق و اصول فوق تا حدی در بخش ورزش و زندگی اجتماعی محقق خواهد شد. البته که در ایران نیز همواره قوانینی برای حمایت از افراد دارای معلولیت در ابعاد مختلف تدوین شده است؛ قانون جامع حمایت از معلولان در سال ۱۳۸۳ که به ورزش، اشتغال و مناسب سازی اماکن ورزشی اشاره شده است. در منشور حقوق شهروندی نیز معلولان به صورت ویژه دیده شده‌اند و در ماده ۵ آن به حق افراد دارای معلولیت برای زندگی مستقل و مشارکت در جنبه‌های مختلف ورزشی اشاره شده است. به صورت اختصاصی در حوزه ورزش نیز در سال ۱۳۹۶، مصوبه سیاست‌ها، راهبردها، وظایف و ضوابط اجرایی ترویج فرهنگ حضور، توانمندی و افتخارآفرینی جانبازان و معلولان از طریق ورزش توسط شورای انقلاب فرهنگی تصویب شد که در آن تلاش شده است سازمان‌های مختلف را موظف به کمک برای توسعه ورزش معلولین نماید و موانع اجتماعی و نگرشی را حذف نماید. بنابراین قانون‌های حمایتی گسترده از معلولین در ایران نیز نشان می‌دهد تنها دو فدراسیون تخصصی نمی‌توانند فرصت‌های مشارکت ورزشی برابری را ایجاد کنند و بدیهی است فدراسیون‌های مختلف ورزشی در این حوزه موفق‌تر عمل خواهند کرد.

علیرغم ضرورت انتقال به منظور فراگیری، افزایش فرصت‌ها و توسعه مشارکت ورزشی، اما به نظر می‌رسد این انتقال چالش‌های فراوانی را برای ورزشکاران دارای معلولیت، فدراسیون‌های ملی و کمیته ملی پارالمپیک در پی داشته است. یکی از پیشنهادات اساسی برای بهبود این فرایند در مرحله اول، به‌روزرسانی سیاست‌های کلان

^۱ Barnes and et al

ورزشی، تغییر آیین نامه‌ها و اساسنامه فدراسیون است که می‌تواند به بهبود این انتقال و افزایش تعهد فدراسیون‌ها نسبت به ورزشکاران دارای معلولیت کمک نماید.

منابع

- آجرلو محمد (۱۳۹۱)، طراحی ساختار و سازماندهی در ورزش ایران، رساله دکتری دانشگاه امام حسین
- افروزه، علی. (۱۴۰۱). جنبش پارالمپیک، انتشارات حتمی، تهران
- پورکیانی محمد، افروزه علی، برومند محمد رضا، سهیلی سحر (۱۴۰۱). تاثیر اجرای برنامه جهانی «من می‌توانم» بر تغییر نگرش دانش‌آموزان ایرانی نسبت به ورزش فراگیر، پژوهش در ورزش تربیتی، ۱۰ (۲۶): ۱۴۷-۱۷۲
- دیرمانچی نیلوفر، خانجانی محمدسعید (۱۳۹۸). مقایسه تاب‌آوری و خودکارآمدی معلولین ضایعه نخاعی ورزشکار و غیرورزشکار، مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران، ۲۵ (۲): ۱۵۰-۱۶۳
- زر عبدالصالح، علوی سلمان، حسینی سید علی، جعفری منصور (۱۳۹۷). بررسی اثربخشی فعالیت ورزشی بر میزان کیفیت زندگی، سلامت روانی و افسردگی معلولان، نشریه پژوهش توانبخشی در پرستاری، ۴ (۳): ۳۱-۳۹
- سبجانی عباس، اندام رضا، ظریفی مجتبی (۱۳۹۴). بررسی و اولویت بندی عوامل مؤثر و موانع مشارکت ورزشی معلولین شهر اهواز، مطالعات مدیریت رفتار سازمانی در ورزش، ۲ (۲): ۴۲-۴۸
- سعیدی فرید، ذاکریان مهدی (۱۳۹۷). سیاست‌گذاری افزایش مشارکت معلولین در پرتو قانون جامع حمایت از معلولین و اسناد بین‌المللی، مجله مطالعات ناتوانی، ۸: ۱۱۶-۱۱۶
- سهرابی پوریا، کاشف میرمحمد، جوادی پور محمد، حسینی فاطمه سادات (۱۳۹۰). بررسی وضعیت جانمایی بنا و مناسب سازی (دسترسی) اماکن ورزشی ارومیه با توجه به استانداردهای ملی و بین‌المللی، نشریه مدیریت ورزشی، ۳ (۱۰): ۵-۲۱
- غضنفرپور حسین، عبدالحی علی اصغر، مراد زاده فیروزه (۱۴۰۰). برنامه‌ریزی فضاهای شهری برای تأمین نیازهای معلولان و جانبازان نمونه پژوهش: منطقه دو شهری کرمان، برنامه‌ریزی فضایی، ۱۱ (۲): ۱۶۳-۱۸۶
- کیال مریم، نادری نسب مهدی، ماجدی نیما (۱۴۰۰). واکاوی مؤلفه‌های فرهنگی- اجتماعی مؤثر بر مشارکت معلولین در فعالیت بدنی، فصلنامه علوم ورزش، ۱۳ (۴۴): ۲۳۷-۲۵۶
- لیموچی سیما، مشرف جوادی بتول، صفانیا علی محمد، محمدی فریبا (۱۳۹۸). شناسایی عوامل مؤثر بر مشارکت معلولین در فعالیت‌های ورزشی، پژوهش‌های معاصر در مدیریت ورزشی (۱۸): ۹-۱۷-۹۰
- نادری عین‌الله، سکینه پور عین‌الله (۱۳۹۹). بررسی موانع مشارکت در فعالیت‌های بدنی و ورزش در معلولین استان کرمانشاه، پژوهشنامه مدیریت ورزشی و رفتار حرکتی، ۱۶ (۳۱): ۱۵۲-۱۳۷
- Andersson, M., Karp, S., & Wickman, K. (۲۰۲۳). The pre-stage of inclusion-conditions for the mainstreaming process of parasports within the Swedish Floorball Federation. *Sport in Society*, ۱-۱۹.
- Barnes, C., Mercer, G., & Shakespeare, T. (۲۰۱۰). Exploring disability: A sociological introduction. Cambridge, UK: Palgrave

- Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative research in psychology*, 3(2), 77-101.
- Brittain, I. (2016). *The paralympic games explained*. Routledge.
- Brittain, I., Biscaia, R., & Gérard, S. (2020). Ableism as a regulator of social practice and disabled peoples' self-determination to participate in sport and physical activity. *Leisure Studies*, 39(2), 209-224.
- Campbell, F. K. (2008). "Exploring Internalized Ableism Using Critical Race Theory." *Disability & Society* 23 (2): 101-112.
- Darcy, S., Maxwell, H., Edwards, M., & Almond, B. (2023). Disability inclusion in beach precincts: beach for all abilities—a community development approach through a social relational model of disability lens. *Sport Management Review*, 26(1), 1-23.
- Gardner, A., Love, A., & Waller, S. (2023). How do elite sport organizations frame diversity and inclusion? A critical race analysis. *Sport Management Review*, 26(3), 339-360.
- Guba, E. G., & Lincoln, Y. S. (1994). Competing paradigms in qualitative research. *Handbook of qualitative research*, 2(163-194), 100.
- Hammond, A. (2019). The mainstreaming of disability swimming in Australia, 1990-2016. *Sporting Traditions*, 37(1), 43-62.
- Hammond, A., & Jeanes, R. (2018). Federal government involvement in Australian disability sport, 1981-2010. *The international journal of the history of sport*, 35(8), 431-447.
- Holloway, I., & Galvin, K. (2016). *Qualitative research in nursing and healthcare*. John Wiley & Sons.
- Howe, P. D. (2007). Integration of Paralympic athletes into athletics Canada. *International Journal of Canadian Studies*, (30), 133-100.
- Howe, P.D., and C. Jones. 2006. Classification of Disabled Athletes: (Dis) empowering the Paralympic Practice Community. *Sociology of Sport Journal* 23: 29-46.
- Hums, M. A., Moorman, A. M., & Wolff, E. A. (2003). The inclusion of the Paralympics in the Olympic and Amateur Sports Act: Legal and policy implications for integration of athletes with disabilities into the United States Olympic Committee and national governing bodies. *Journal of Sport and Social Issues*, 27(3), 261-270.
- Isett, K. R., Mergel, I. A., LeRoux, K., Mischen, P. A., & Rethemeyer, R. K. (2011). Networks in public administration scholarship: Understanding where we are and where we need to go. *Journal of public administration research and theory*, 21(suppl_1), i107-i113.
- International Paralympic Committee. (2019). A SUMMARY OF THE PROPOSAL TO REFORM THE GOVERNANCE OF THE INTERNATIONAL PARALYMPIC COMMITTEE, Retrieved from https://library.olympics.com/Default/doc/SYRACUSE/201908/remaining-fit-for-purpose-a-summary-of-the-proposal-to-reform-the-governance-of-the-international-pa?_lg=en-GB
- International Paralympic Committee. (2022). 2022 Annual Report. Retrieved from <https://www.paralympic.org/news/IPCpublish20212022AnnualReport>
- International Paralympic Committee. (2019). 2019-2022 Strategic Plan. Retrieved from https://www.paralympic.org/sites/default/files/document/190704145001100_2019_07+IPC+Strategic+Plan_web.pdf

- Kallio, H., Pietilä, A. M., Johnson, M., & Kangasniemi, M. (۲۰۱۶). Systematic methodological review: Developing a framework for a qualitative semi- structured interview guide. *Journal of Advanced Nursing*, ۷۲(۱۲), ۲۹۵۴-۲۹۶۵.
- Kitchin, P. J., & Howe, P. D. (۲۰۱۴). The mainstreaming of disability cricket in England and Wales: Integration 'One Game' at a time. *Sport Management Review*, ۱۷(۱), ۶۵-۷۷.
- Klenk, C., Albrecht, J. B., & Nagel, S. (۲۰۱۹). Social participation of people with disabilities in organized community sport. A systematic review. *German journal of exercise and sport research*, ۴۹(۴), ۳۶۵-۳۸۰.
- Legg, D., Bosscher, V. D., Shibli, S., & Bottenburg, M. V. (۲۰۱۱). What is the ideal Paralympic sport system? Future research directions. *ICSSPE Bulletin*, ۶۱, ۲.
- Legg, D., Fay, T., Wolff, E., & Hums, M. (۲۰۱۵). The International Olympic Committee–International Paralympic Committee Relationship: Past, Present, and Future. *Journal of Sport and Social Issues*, ۴۹(۵), ۳۷۱-۳۹۵.
- McBean, C., Townsend, R. C., & Petrie, K. (۲۰۲۲). An historical analysis of disability sport policy in Aotearoa New Zealand. *International Journal of Sport Policy and Politics*, ۱۴(۳), ۴۱۹-۴۳۴.
- Martin, J. J. (۲۰۱۳). Benefits and barriers to physical activity for individuals with disabilities: a social-relational model of disability perspective. *Disability and rehabilitation*, ۳۴(۲۴), ۲۰۳۰-۲۰۳۷.
- Misener, L., & Darcy, S. (۲۰۱۴). Managing disability sport: From athletes with disabilities to inclusive organisational perspectives. *Sport Management Review*, ۱۷(۱), ۱-۷.
- Misener, L., Darcy, S., Legg, D., & Gilbert, K. (۲۰۱۳). Beyond Olympic legacy: Understanding Paralympic legacy through a thematic analysis. *Journal of sport management*, ۲۷(۴), ۳۲۹-۳۴۱.
- Mousavi, S. ۲۰۲۲. "An Autoethnographic Review of Disability in Iran." Master's diss., University of Manitoba.
- Pankowiak, A., Brockett, C., De Bosscher, V., & Westerbeek, H. (۲۰۲۳). National Paralympic sport policies influencing a country's Paralympic success. *International Journal of Sport Policy and Politics*, ۱-۲۱.
- Patton, M.Q. (۱۹۹۹). Enhancing the quality and credibility of qualitative analysis. *Health Sciences Research*, ۳۴, ۱۱۸۹-۱۲۰۸.
- Peers, D., Konoval, T., & Naturkach, R. M. (۲۰۲۰). (Un) imaginable (Para-) athletes: A Discourse Analysis of Athletics Websites in Canada. *Adapted physical activity quarterly*, ۳۷(۱), ۱۱۲-۱۲۸.
- Policy on Sport for Persons with a Disability (۲۰۰۶). <https://www.canada.ca/en/canadian-heritage/services/sport-policies-acts-regulations/policy-persons-with-disability.html>
- Sørensen, M., & Kahrs, N. (۲۰۰۶). Integration of Disability Sport in The Norwegian Sport Organizations: Lessons Learned. *Adapted physical activity quarterly*, ۲۳(۲).
- Steadward, R. D. (۱۹۹۶). Integration and sport in the Paralympic movement. *Sport Science Review*, ۴(۱), ۲۶-۴۱.
- Tusiime, O., & Odiango, R. (۲۰۲۲). Assessment of the Status of Disability Mainstreaming in Sports at Makerere University. *Journal of Sports Science and Physical Education*. Vol, ۷(۴), ۹۱-۹۹.

- United Nations. (۲۰۰۶). Convention on the rights of persons with disabilities. Retrieved from <http://www.un.org/esa/socdev/enable/rights/convtexte.htm>: United Nations General Assembly A/۶۱/۶۱۱
- Wilhite, B., Mushett, C. A., Goldenberg, L., & Trader, B. R. (۱۹۹۷). Promoting inclusive sport and leisure participation: Evaluation of the Paralympic Day in the school's model. *Adapted Physical Activity Quarterly*, ۱۴(۲), ۱۳۱-۱۴۶.
- Wolbring, G. (۲۰۱۲). Expanding Ableism: Taking down the Ghettoization of impact of disability studies scholars. *Societies*, ۲(۳), ۷۵-۸۳.
- World Health Organization. (۲۰۱۳). Disability – Report by the secretariat. Retrieved from http://apps.who.int/gb/ebwha/pdf_files/WHA۶۶/A۶۶_۱۲-en.pdf

نسخه پذیرفته شده پیش از انتشار